
Educational literacy and classroom management

Farahnaz Fouladvand^{1*}, Mehri Shahanshahi², Mojtaba Mahmoudi³

1. MA of Philosophy and Islamic Wisdom, Khorramabad, Iran

2. MSc of Chemistry, Khorramabad, Iran

3. MSc of Applied Mathematics, Khorramabad, Iran

(Received: July 11, 2021; Accepted: July 25, 2022)

Abstract

The purpose of this research is to investigate the classroom management styles of teachers. In terms of the purpose, the current research is considered part of applied research, and in terms of data collection and analysis, it is descriptive-correlation research. The statistical population of this research includes all the teachers of the second primary period of the fifth and sixth grades of Khorram Abad district in the academic year of 1997-1998 in the number of 340 people in which by using Morgan's table, 181 people from the community were selected as samples. The sampling method in this research is stratified random sampling method. In the current research, Wolfgang and Glickman's (1986) 25-question classroom management style questionnaire and 13-question questionnaire made by the researcher of educational literacy were used. The findings of the research show that most of the problems that arise in the relationship between parents and children and adolescents are caused by the shortcomings of parents, in other words, the needs that parents have in relation to their children and adolescents, but these needs have not been provided. The second axis is damages, which by examining the issues and problems of families we conclude that there are some damages in the relationship between parents and children, if these damages and their solutions are known we can pass them safely or prevented them. These two major axes in parent-parent relations are very obvious and important, that's why we have investigated them.

Keywords : management styles, classroom, educational literacy, primary school teachers, students

*Corresponding Author, Email : fr.fouladvand@gmail.com

سواد تربیتی و مدیریت کلاس

فرحناز فولادوند^{۱*}، مهری شهنشاهی^۲، مجتبی محمودی^۳

۱. کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، خرم آباد، ایران

۲. کارشناسی ارشد شیمی، خرم آباد، ایران

۳. کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، خرم آباد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۳)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان دوره دوم ابتدایی پایه های پنجم و ششم ناحیه دوشهرستان خرم آباد به تعداد ۳۴۰ نفر بود. با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۸۱ نفر از افراد جامعه به روش نمونه گیری تصادفی - طبقه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه‌های سبک مدیریت کلاس و لنگانگ و گلیکمن و پرسشنامه محقق ساخته سواد تربیتی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد، عمده مسائلی که در رابطه بین والدین و کودکان و نوجوانان پیش می‌آید برخواسته از کاستی‌هایی است که پدر و مادر دارند به بیان دیگر نیازهایی که پدر و مادر در ارتباط با کودک و نوجوان خودشان دارند اما این نیازها تامین نشده است.

واژگان کلیدی: سبک‌های مدیریت، کلاس درس، سواد تربیتی، معلمان، دوره ابتدایی

مقدمه

خسارت این نیست که شما برج ساختی و کسی نمی‌خرد. یا سکه ارزان شد. به مردم بگو: خسارت واقعی برای کسانی است که خودشان را باختند و نسلشان را هدر دادند. ما برای اینکه سرمایه‌گذاری کنیم، الآن فقط در مسائل اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن هم هست. اما سرمایه‌گذاری اصلی این است که وقتی پدر و مادر از دنیا رفتند یک نسل مؤمنی را گذاشته باشند. این سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری واقعی این است. به هر حال اگر پدر من مرا خوب تربیت کرده باشد، من اگر الآن حرف حقی را بزنم، ثوابش را پدر و مادر من می‌برد. این سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری که فقط آجر و آهن نیست. برای خرجی زن و بچه باید آن سرمایه‌گذاری هم بشود. «من لا معاش له لا معاد له» زندگی هم اصل است. قرآن به دنیا هم عنایت دارد. در قرآن ۱۱۵ مرتبه کلمه دنیا آمده است. ۱۱۵ مرتبه هم کلمه آخرت را گفته است. و لذا گفتند: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» سرمایه‌گذاری فقط اقتصادی نیست. کسی روی بچه‌ها سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

یک سرمایه‌گذاری است که دولت و ملت با هم باید بیشتر توجه کنند. ما یک چیزی به نام دانشگاه فرهنگیان درست کردیم. دیپلم را استخدام می‌کنند، چهار سال دوره می‌بینند. لیسانس که شد سی سال برای نسل آینده صحبت می‌کنند. نیت خیر است. اما چقدر بودجه دارد؟ مسئولین چقدر روی پا هستند؟ چقدر جلدی هستند و بودجه دارند؟ ما دانشگاه فرهنگیان را شنیده بودیم که در این چهار فقط فنون معلمی یاد می‌دهند. به ما گفتند: جمعی از اینها فارغ‌التحصیل شدند و امسال وارد آموزش و پرورش می‌شوند. تو هم برای اینها سخنرانی کن. ما برای اولین بار رفتیم و سخنرانی ما طول کشید. به اینها گفتم: پنجاه سال هست معلم هستیم. در مورد فنون معلمی حرف‌هایی دارم ببینید اینها در کتاب‌های شما هست یا نه؟ بحث من که تمام شد گفتند: هفتاد درصد از فنون معلمی که گفتی در کتاب‌های ما نیست. نیاز ما به حرف‌های تو بیش از نیاز به کتاب‌هاست. محتوای این کتاب‌ها چیست؟ ما کسی را داریم ممکن است مسلمان نباشد ولی نمره تعلیمات دینی‌اش بیست باشد. مسأله‌ی انگیزه، مسأله‌ی محتوا و امکانات و تحصیلات مهم است. اگر شب‌های محرم و صفر و ماه رمضان منبر می‌روید و برای مردم صحبت می‌کنید. مدرسه هم بروید و پنج دقیقه هم برای بچه‌ها حرف بزنید. پنج دقیقه حرف زدن برای بچه‌ها مهم‌تر از حرف زدن برای بزرگ‌ها است.

پدر و مادرها اول باورهای خودتان را تقویت کنید. ماشین نمی‌تواند یک قطار را بکسل کند. اگر خودت ضعیف باشی نمی‌توانی بار کشتی کنی. ممکن است کسی در مورد خدا و پیغمبر

شک کند. هیچکس تا به حال در مورد مرگ شک نکرده است. مرگ هست. بعد از مرگ یا قیامت هست یا نیست. اگر قیامت نبود مذهبی‌ها چقدر ضرر کردند؟ چند دقیقه نماز خواندند. ماه رمضان هم نهار را چند ساعت عقب انداختند. حالا بر فرض قیامت نبود. مذهبی ضرر نکرده است. این خانم هفتاد کیلو است. نیم کیلو هم حجابش را رعایت کرده است. قیامت هم نبود، ضرر نکرده است. مثل راننده‌ای که همیشه تجهیزات همراهش هست. اگر نیازی نبود که هیچ. اما اگر قیامت نیاز بود که به هزار و یک دلیل هست، آن کسی که نماز نخوانده چه می‌گوید؟ بگویند: این زبان را ما به تو دادیم. با هرکسی حرف زد. پنج دقیقه هم با خدا حرف می‌زدی. چه جوابی می‌دهد؟ ما یک باغ انگور به شما دادیم. گفتیم: یک جعبه را هم زکات بده. خمس بده. حالا اگر قیامت هم نبود در صد تا جعبه انگور، دو تا جعبه به فقرا بدهی چیزی نمی‌شود. حالا اگر کسی ندهد، چه وجدانی دارد؟ هرکس یک ذره عقل داشته باشد، عقل می‌گوید: باید دین داشته باشی. راننده اگر عقل داشته باشد باید جک و زاپاس را بردارد. اگر نیاز بشود و نداشته باشد با مسافرین چه می‌کند؟ پدر و مادرها راهش این است که کتاب‌های مفید را مطالعه کنید. شب‌های زمستانی مطالعه زیاد کنید. از پنج عصر تا ده شب می‌توانید مطالعه کنید. یک ساعت مطالعه کنید. کتاب‌های خوب و مفید را بخوانید که دو تا نکته درونش باشد. پدر و مادرها باید خودشان را تقویت کنند. بعضی از پدر و مادرها دچار غرور علمی هستند. فکر می‌کنند چون دیپلم و لیسانس دارند خیلی با سواد هستند. کسی که لیسانس دارد نه ماه بیشتر درس نخوانده است. چون چهار سال که دانشگاه هستند چهار تا تابستان تعطیل است. چهار تا سه ماه تابستان است. یک سال هیچی! هر سالی ۵۲ جمعه و ۵۲ پنجشنبه تعطیل است. سالی ۱۰۴ روز هم پنج‌شنبه و جمعه تعطیل است. چهار تا ۱۰۴ تا می‌شود ۴۱۶ روز هم پنج‌شنبه و جمعه تعطیل است. هر سال ۲۰ روز هم عید نوروز تعطیل است. چهار تا ۲۰ روز هشتاد روز می‌شود. بیست روز بین ترم تعطیل هستند. این جا هم هشتاد روز تعطیل هستند. سی‌چهار روز هم عاشورا و تاسوعا و ۲۲ بهمن و شب قدر است. از چهار سال این قدر تعطیل هستند. تازه درس‌هایی هم که خواندند خیلی از درس‌ها ضرورتی نداشته است. آخوند خوب آخوندی است که اگر بمیرد جایش خالی باشد. یعنی باید کتابی بخوانیم که اگر نخوانیم احساس کنیم کمبود داریم. چیزی بخوانیم که یک گره‌ای باز کند. مقام معظم رهبری فرمود: ما گفتیم تولید علم، نگفتیم: تولید مقاله. یا رئیس جمهور هم فرموده بود باید دانشگاه و پژوهش‌ها ما وصل به ثروت شود. یعنی نان داشته باشد. اینکه بدانم کوه هیمالیا چند متر است به چه دردی می‌خورد؟

تقویت پدر و مادرها از چند راه است: اول مطالعه کتب مفید؛ کسانی که لیسانس هستند کتاب‌های مطهری را بخوانند. مطهری ۵۲ کتاب دارد. سال هم ۵۲ هفته است. هفته‌ای یک عدد از کتاب‌های مطهری را بخوانید. خودشان را باسواد ندانند. قرآن می‌گوید: «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء/۸۵) همه با هم یک ذره سواد دارید. یعنی از علم فقط یک اندکی می‌دانید. کاگان^۱ (۲۰۰۸) روش موقعیت مشارکتی را موقعیتی می‌داند که در آن هر فرد تنها در صورتی می‌تواند به هدف برسد که همه ی افراد به هدفشان برسند و اعتقاد داشت که تعاملات مشارکتی باعث می‌شود مشارکت کنندگان تجربه ی روشنی از علائق مشترک، کوشش‌های مشترک، توزیع یکسان قدرت، اعتماد و صداقت داشته باشند، در حقیقت از نظر معلم، آرنسون و همکاران^۲ (۱۹۹۷) با استفاده از تعریف وی در خصوص موقعیت مشارکتی، در تلاش برای ارائه یک الگوی عینی و عملی از یک موقعیت مشارکتی در یادگیری، موفق به ارائه تکنیکی به نام تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف شدند. ماهیت این تکنیک به این صورت است که دانش‌آموز را ملزم می‌کند به این که با هم کار کنند، یکدیگر را آموزش دهند و برای رسیدن به اهدافشان به همدیگر متکی باشند. مدل ارائه شده، به وسیله آرنسون و دیگران^۱ به این صورت است که دانش‌آموزان در گروه‌های ۵ یا ۶ نفر قرار داده می‌شوند و هر دانش‌آموز مسئولیت آموزش یک بخش خاص از درس روزانه به سایر اعضای گروه را بر عهده دارد. در این تکنیک هر دانش‌آموز فقط یک قسمت خاص از درس را در اختیار دارد و سایر دانش‌آموزان آن اطلاعات را در اختیار ندارند بنابراین در گروه وابستگی ایجاد می‌گردد. دانش‌آموزان بر مبحث مربوط به خود مسلط می‌شوند و در خصوص چگونگی آموزش آن مبحث به سایر اعضای گروه خود و سوالات احتمالی که ممکن است اعضای گروه از آنها پرسند بحث و تبادل نظر می‌کنند. در الگوی مشارکتی معلم به جای اینکه مطلب درسی را به دانش‌آموزان ارائه دهد. صرفاً به عنوان یک منبع تسهیل‌کننده می‌باشد و در فرآیند یادگیری و آموزش با دانش‌آموزان همکاری می‌کند و هر دانش‌آموز به جای اینکه به صورت منفعل به معلم به عنوان یک منبع مرکزی انسانی وابسته باشد، مجبور است که یک مشارکت فعال داشته و نسبت به آنچه یاد می‌گیرد مسئول باشد. الگوی سواد تربیتی در طول دو دهه ی اخیر با استفاده از یافته‌های تحقیقات مختلف و در جهت بهبود و توسعه، دستخوش تغییراتی گردیده و به شعب مختلفی که هر کدام در خصوص ویژه ای کاربرد دارند تقسیم شده است. البته باید

¹ Kagan

² Aronson et al

¹ Aronson and others

² Nagler

توجه داشت که اجرای تکنیک های مختلف سواد تربیتی علیرغم همه ی امتیازاتی که برای آنها بر شمرده می شود به همان سادگی که در تئوری گفته می شود مطرح نیست و در عمل ممکن است با مشکلاتی مواجه شود.

معلم با توان مدیریت خود میتواند مدیریت بر دل های دانش آموزان داشته باشد و مدیریت معلم چیزی جز توان و قدرت تصمیم گیری وی و اجرای عمل نمی باشد. معلم با توان و کارایی خود می تواند مدیریت زمان کلاس خود را طوری برنامه ریزی کند که لحظه لحظه کلاس درس او مفید و مطلوب آموزش و یادگیری باشد. (الماسی حسینی، ۱۳۹۷)

نانسی مارتین، در مقاله خود با عنوان «مدیریت کلاس دانش آموزان - محور» به تشریح رابطه آموزش و مدیریت کلاس می پردازد. وی استدلال می کند که به دلیل وجود ارتباط تنگاتنگ و متقابل میان مدیریت کلاس و آموزش، نباید آنها را جدا از هم بررسی کرد. این ادعا بر این دلیل استوار است که این دو متغیر تاثیر همزمان در ایجاد جو کلاس دارند. اما متاسفانه این ارتباط نادیده گرفته می شود و با وجود اینکه امروزه، کاربرد روش های نوین تدریس از جمله روش دانش آموزان محور یا آموزش های مشارکتی و همیارانه پیوسته توصیه می شود؛ در مدیریت کلاس، رویکردهای سنتی، همچنان پا برجاست؛ این در حالی است که بدون مدیریت کلاس مشارکتی یا دانش آموز - محور، تدریس مشارکتی یا دانش آموز - محور واقعی نمی تواند وجود داشته باشد (مارتین^۲ ۲۰۰۳). در این فصل ابتدای ضمن بیان مقدمه به بیان مساله پرداخته می شود و سپس به ضرورت و اهمیت این پژوهش که از جنبه های لازم و ضروری بوده است پرداخته خواهد شد و همچنین اهداف در دو سطح کلی و جزئی و فرضیه ها هم در دو سطح کلی و جزئی ارائه خواهند شد و نهایتا به تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها خواهیم پرداخت.

اولین نیازی که پدر و مادر در محیط خانواده دارند آن هم در رابطه با تربیت کودکان تصور درست از تربیت است بیشتر والدین پدر و مادرها تصور درستی از تربیت ندارند علت این مساله هم این است که آنچنان که باید نهادهای مسئول رسانه هایی که می توانند نقش داشته باشند در این زمینه کار نکرده اند توضیح دهم چرا می گویم تصور درستی نیست علتش این است که پدر و مادرها شاید اگر پرسید که وقتی کودک مثلا ۷ ساله شما ۸ ساله شما نوجوان ۱۲ ساله می خواهید تربیتشان کنید منظور شما از تربیت چیست چه کاری می خواهید بکنید شاید البته پدر مادرها تصورشان این باشد: این تصویری است که از تربیت است

^۱Ozen^۲ Martin

غالباً این گونه است اما اگر ما بخواهیم از پدر و مادری که زمینه های مذهبی دارند متدین اند و دغدغه این آینده بچه هاشان را دارند اگر بخواهیم از آن ها الگوهایی را معرفی کنیم که دوستدارید بچه هاتان این گونه شوند ممکن است بیایند در الگوها کسانی را مطرح کنند که کالا تربیتشان متفاوت و گسترده تر از این تعریفی است که ما از او گفتگو کردیم ممکن است بزرگانی از دین را نام ببرند بزرگانی که در گذشته تاریخ آمدند و اقداماتی انجام دادند در تاریخ ما نام و نشانی دارند از صدر اسلام گرفته تا امروز یعنی پدر و مادر اگر دستشان باز باشد اگر محدودیت و تغییر زمان را در نظر نگیرند خیلی راحت ممکن است دوست داشته باشند مثلاً فرزندشان مالک اشتر باشد نه به عنوان اینکه یار امیرالمومنین باشد شخصیتی آنچنان باشد یا یک مقدار نزدیک تر فکر کنند دوست دارند فرزندشان کسی باشد که یار امام زمان باشد کسی باشد که امام زمان از او خشنود باشد.

این الگو این مقصدی که برای تربیت بچه در نظر می گیرند با آن تعریفی که از تربیت دارند سازگار نیست در تعریف تربیت می گفت که آداب را به او بیاموزیم می گفتیم مهارت های زندگی را به او بیاموزیم اما در این الگوهایی که داریم نگاه می کنیم چیزی بیش از مهارت و چیزی بیش از پرورش استعدادهاست چیزی بیش از آموختن آداب است یک نگرش یک تحول در بینش نسبت به هستی در آن ها اتفاق افتاده است این دو تا را با هم چگونه می شود جمع کرد. نگرش معلم به ماهیت کلاس درس، موضوع و محتوای درس، و ماهیت دانش آموز برچگونگی رفتار او تاثیر دارد. بعضی از معلمان کلاس درس را یک سازمان رسمی و غیر قابل انعطاف تلقی می کند که قوانین و مقررات دقیقاً باید رعایت و انتقال مطالب صورت بگیرد. چنین معلمانی با نگرش کلاسیک مدیریت بر موضوع های درس تاکید می کنند. در مقابل عده ای دیگر از استادان کلاس درس را یک سازمان قابل انعطاف در نظر می گیرند و جهت رسیدن به اهداف با دانش آموزان رابطه ی دوستانه و صمیمی برقرار می کنند. بعضی از معلمان با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت به طور اقتباضی عمل می کنند. به طور کلی سبک های رهبری در کلاس درس را می توان به سه شیوه ی آمرانه، مشورتی و عدم مداخله تقسیم نمود. در شیوه ی آمرانه معلم دستور می دهد و کنترل سختی را اعمال می کند. ولی برای ارتقاء سطح همبستگی و پیوند گروهی دانش آموزان تلاش نمی کند. در شیوه ی مشورتی معلم تلاش می کند، نظرات دانش آموزان را مد نظر قرار دهد و با ایجاد مباحث دو جانبه و کارهای گروهی زمینه ی افزایش همبستگی گروهی را افزایش دهد. در شیوه ی رهبری مبتنی بر عدم مداخله معلم اقدام خاصی برای رهبری دانش آموزان به عمل نمی آورد و راهنمایی های او مبهم بوده و در اکثر اوقات به دانش آموزان پاسخ های کوتاه و مختصر می دهد و از ارتباط زیاد با دانش آموزان خودداری می

کند. معلمان برای رابطه‌ی مثبت با دانش‌آموزان نیاز به تلاش و محرک دارند. معلمی که انتظاراتش روشن و با دانش‌آموزان مهربان بوده و رابطه‌ی متقابل توأم با احترام با آن‌ها دارد، در حال رهبری دانش‌آموزان است. مهربانی معلم نسبت به دانش‌آموزان باعث می‌شود که دانش‌آموز انتظارات مربوط به رفتارهای مناسب را از خود نشان دهد. معلمان در کلاس درس نیاز به سرد بودن و جدایی از دانش‌آموزان ندارند. رابطه‌ی دوستانه و داشتن حسن تفاهم با دانش‌آموزان امکان برخورداری از کلاس درس مثبت و مطلوب را فراهم می‌کند. دانش‌آموزان قادر به خواندن ذهن معلم نیستند، بنابراین معلم باید به طور اثر بخش انتظارات و علایق خود را به دانش‌آموزان انتقال دهد. و این انتقال باید دوستانه و محترمانه باشد. رهبری اثربخش در کلاس تحت تاثیر عوامل مختلفی چون شرایط فرهنگی، اجتماعی، نگرش‌های معلم به انسان، ساختار کلاس، ماهیت تعلیم و تربیت، سطح دانش، آگاهی‌ها و مهارت‌های شغلی معلم، سطح انگیزش دانش‌آموز و هدف‌های آموزشی است. به عقیده‌ی برل، معلمانی که در انجام وظائف خود به عنوان رهبر موفق عمل می‌کنند کسانی هستند که به صورت متنوع تدریس نموده، عقائد و نظرات دانش‌آموزان را می‌شنوند و زمینه‌ی بحث و گفتگوی دو جانبه را فراهم می‌کنند. چنین معلمانی با دانش‌آموزان همراهی می‌کنند تا نگرش‌های دانش‌آموز در فرآیند مباحثات اصلاح گردد. همچنین تا حدودی انعطاف پذیر هستند و ضمن پذیرش تعارض‌ها در کلاس درس سعی می‌کنند که، آن‌ها را تشخیص داده و با همکاری و مشارکت دانش‌آموزان نسبت به حل آن اقدام کنند. (احمدیه، ۱۳۸۵).

سبک آمرانه، مدیر و رهبر تنها فرد تصمیم‌گیرنده است، او به کارکنان می‌گوید چه کاری باید بکنند و نظارت شدیدی بر آنها اعمال می‌کند. سبک مشورتی، رهبر یا مدیر کارکنان را به مشارکت تشویق و ترغیب می‌کند. برای تعیین اینکه چه کاری باید انجام شود، با آنان همکاری دارد و به هیچ وجه سرپرستی و نظارت شدیدی بر کارکنان اعمال نمی‌کند. سبک عدم مداخله، رهبر یا مدیر کارکنان را آزاد می‌گذارد و به آنان اجازه می‌دهد تا برای آنچه که باید انجام گیرد خود تصمیم‌گیری کنند و پیگیری و یا سرپرستی بر آنان اعمال نمی‌کند. با بررسی مطالبی که طی سال‌ها در این باره نگاشته شده است نتیجه می‌گیرند که برای معلمان دوره ابتدایی و متوسطه بزرگترین مشکل دوران تحصیلی یادگیری شیوه‌ی مدیریت کلاس است. (شکرکن و همکاران ۱۳۹۰).

برای چنین معلمانی جای تعجب نیست که رفتارهای گسیخته‌ی دانش‌آموزان بزرگترین عامل فشار روانی بر معلم و احساس نارضایتی شغل باشد. بنابراین هم دست‌اندرکاران آموزش معلمان باید امکانات جدیدی را تدارک ببینند و هم معلمان به طور منظم دانش خود را پیرامون

مدیریت کلاس ارزیابی کنند و به طور پیوسته به اطلاعات جدید مجهز کردند و از کتب و نظریات علمی جدید بهره ببرند. مطالعات نشان می دهد که متغیرهای کلاس خاصی بر رفتار دانش آموز در کلاس درس و سواد تربیتی آنان به طور محدود و مداوم تاثیر دارد. در واقع اعمال مدیریت در کلاس برای ایجاد یک محیط مناسب یادگیری امری ضروری و حیاتی است و لذا هدف اساسی ما در این پژوهش به عبارت دیگر پاسخ به این سوال است سبک های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی چه رابطه ای دارد؟

تعریف درست تربیت این است که ما باید آنچه که کودک را در برابر این آسیب ها در برابر این هجوم ها مصون می دارد در او ایجاد کنیم چه چیزی کودک را در برابر هجوم ها می تواند حفظ کند یک این که بچه ما شخصیت داشته باشد یعنی وقتی در برابر یک حرف یک هجوم قرار می گیرد خودش را نبازد بلکه اجازه بدهد که آن فکر مورد نقد و بررسی قرار بگیرد و بعد پذیرفته شود. این را برای اینکه باز کنم این توضیح را بدهم دیده اید بعضی از بچه ها در محیط خانواده از اینها می بینیم بچه هایی هستند که دنباله رو هستند هر چه کسی هر حرفی زد دنبالش راه می افتند هر که هر چی گفت باور می کند این کودک فردا هم که بزرگ شد اگر ما این تربیت را در او ایجاد نکنیم شخصیتش را در او تقویت نکنیم فردا دچار مشکل خواهد شد بعضی از بچه ها نه در برابر یک حرف یک اندیشه ای که به او انرا می شود یک شبهه ای که برایشان وارد می شود می ایستند به راحتی نمی پذیرند این یعنی شخصیت پس ما یکی از چیزهایی که می توانیم در کودکانمان ایجاد کنیم که بتوانند در برابر بحران ها در دوره بلوغ و هجوم های بعد از بلوغ پایدار بمانند شخصیت است دومین چیزی که باید در او ایجاد کرد تفکر و اندیشه است یعنی بتواند مساله را حل کند مساله را در بیابد به او فکر کند پاسخ دهد یک چیزی که معمولا ما در آموزش هایمان خیلی کم رنگ است در دبستانمان در راهنمایی مان در دبیرستانمان این کم رنگ است البته در سال های اخیر یک مقدار به این پرداخته اند ولی در حوزه درس های خودشان و در خانواده هم متاسفانه ما این را تضعیف می کنیم. هم شخصیت را در کودک تضعیف می کنیم هم تفکر را چگونه تضعیف می کنیم اگر یک جایی دو تا بزرگتر دارند صحبت می کنند کودک ما بیاید وسط حرفی بزند با او برخورد کنیم یا اگر برخورد نکنیم حداقل تحویلش نمی گیریم می گذارم حرفش تمام شود بعد ما خودمان حرف مان را ادامه می دهیم تحویل نمی گیریم که بله این حرف خوبی است روش فکر کنیم این یعنی چی کار می کنیم آن شخصیت را نمی گذارم رشد پیدا کند نمی گذاریم تقویت شود بلکه سرکوبش می کنیم زمینش می زنیم.

این در برخورد ما با شخصیت است یکی از نموده‌های دیگر شخصیت در کودکان این است می خواهند کاری را خودش انجام دهد می گوید مادر بگذار من سفره را پهن کنم مادر بگذار من این ظرف ها را در سفره بچینم نه می شکنند دست زن نمی گذاریم این استقلال که پایه شخصیتی کودک است دارد شکل می گیرد لاقلاً اگر تقویتش نمی کنیم مانعش نشویم بگذارم خودش شکل بگیرد. واژه «مدیریت کلاس» در اغلب تعاریف سنتی، هم معنا با واژه انضباط به کار رفته است. به عنوان مثال دویل^۲ (۱۹۸۶) مدیریت کلاس را «درمان بدرفتاری ها و اختلالاتی که در محیط آموزشی رخ می دهد» تعریف می کند. به عقیده وی، هدف مدیریت کلاس ایجاد و حفظ نظم اجتماعی به منظور آرامش و یادگیری بهتر است. در متون علمی معاصر، مدیریت کلاس، وسیع تر از انضباط تعریف شده است؛ چنانکه مفهوم انضباط را زیر مجموعه مدیریت به شمار می آورد و مدیریت کلاس را مثابه ترکیبی از آموزش، سازماندهی مواد و فعالیتهای درسی و تلاش برای کاهش بدرفتاری دانش آموزان توصیف می کند.

ولفانگ و گلیکمن^۳ (۱۹۸۶) تعریفی جامع و دقیق از مدیریت کلاس ارائه داده اند؛ به گفته آنها «مدیریت کلاس، یعنی کلیه تلاشهای معلم برای سرپرستی فعالیتهای کلاس که شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش آموزان و یادگیری است».

اهداف تحقیق

تعیین رابطه سبک های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی

تعیین رابطه بین سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی

تعیین رابطه بین سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی

تعیین رابطه بین سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی

فرضیه های تحقیق

بین سبک های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

بین سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

بین سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

بین سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

^۱Doyle

^۲Wolfgang and Glickman

پیشینه پژوهش

فرقانی (۱۳۹۳) هدف از اجرای پژوهش خود را نقش سبک‌های مدیریت کلاس در انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه شهر شیراز انجام داد. نمونه مورد پژوهش شامل ۲۴۰ نفر از معلمان مقطع راهنمایی (۱۲۰ نفر زن، ۱۲۰ نفر مرد) بود. جهت انتخاب افراد نمونه ۲۴ مدرسه راهنمایی (۱۲ مدرسه دخترانه، ۱۲ مدرسه پسرانه) که معرف جامعه معلمان شهر شیراز بودند انتخاب شدند. به منظور اندازه‌گیری از پرسش‌نامه سبک مدیریت کلاس نیز استفاده شد و معدل کل دانش‌آموزان هر کلاس به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی منظور گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک مدیریت کلاسی معلمان و میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود داشته است. بین میانگین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در کلاسهای رابطه مدار و کلاسهای ضابطه مدار و تفاوت وجود داشته و سبک رابطه مدار منجر به موفقیت بیشتر دانش‌آموزان شده است. بین سابقه کاری معلمان و سبک مدیریت کلاسی آنها رابطه وجود داشته و یافته‌ها نشان داده که میزان تحصیلات بر سبک مدیریت کلاسی معلمان تأثیر نمی‌گذارد. و در عین حال بین سبک مدیریت کلاسی معلمان زن و مرد تفاوت وجود دارد و معلمان زن بیشتر از سبک مدیریت رابطه مدار استفاده می‌کنند.

بهرنگی، جعفری‌راد، عزیزی شماسی (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتایج رسیدند که تفاوت معنی‌داری میان نگرش‌های دانشجویان دال بر ارجحیت استفاده از الگوی مدیریت بر آموزش به جای الگوهای سنتی است. یافته‌های ناشی از آثار پرورشی و آموزشی الگوی مدیریت بر آموزش ضرورت گریز از سخنرانی یک‌جانبه و تأکید بر محفوظات را ضروری دانسته و توصیه برای هدایت یادگیری در مسیر مشارکت دانش‌آموزان در آموزش را ضروری دانسته‌اند.

کرامتی (۱۳۸۱)، در پژوهشی در مورد تأثیر سواد تربیتی بر رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم دبستان به این نتیجه رسید که سواد تربیتی باعث رشد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.

فرخی (۱۳۹۶) هدف از پژوهش خود را به بررسی چگونگی شیوه‌های مدیریت و رهبری اثر بخش معلم در کلاس درس انجام داد. فرض تحقیق در این پژوهش مربوط به چگونگی روشهای تدریس است که ۳ فرضیه اولیه مرتبط با شیوه‌های سنتی تدریس و ۲ فرضیه نهایی در رابطه با شیوه‌های نوین تدریس است و رابطه آنها با مدیریت و رهبری اثر بخش معلمان در کلاس درس مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش برای بررسی میزان تحقیق کارکردهای مدیریت و رهبری اثر بخش معلم در کلاس درس از روش آمار توصیفی استفاده به عمل آمد و پژوهش بر روی کلیه معلمان پایه متوسطه که شامل ۵۲ نفر زن و مرد می‌شد انجام

شد. روش نمونه گیری این جامعه آماری از طریق نمونه گیری در دسترس ۵۲ نفر معلم زن و مرد انتخاب شد که شامل ۳۰ نفر معلم زن و ۲۲ نفر معلم مرد بود. بدین صورت که کلیه جامعه آماری به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته شامل ۲۰ سوال بود که به روش لیکرت تهیه و در اختیار معلمین قرار گرفت. نتایج این پژوهش بدین صورت بود که در فرضیه اول مبتنی بر چگونگی رهبری و مدیریت اثر بخش معلم در کلاس درس با استفاده از روش سخنرانی رابطه معناداری بین نظر معلمین زن و مرد مشاهده نگردید. همچنین فرضیه دوم مبتنی بر چگونگی رهبری و مدیریت اثر بخش معلم در کلاس درس با استفاده از روش گروهی رابطه معناداری بین نظر معلمین زن و مرد مشاهده نگردید. همچنین در فرضیه سوم مبتنی بر چگونگی رهبری و مدیریت اثر بخش معلم در کلاس با استفاده از روش آزمایشی رابطه معناداری بین نظر معلمین زن و مرد مشاهده نگردید و در دو فرضیه نهایی نیز مبتنی بر چگونگی رهبری و مدیریت اثر بخش معلم در کلاس درس با استفاده از روش آموزش انفرادی و فرضیه پنجم نیز مبتنی بر رهبری و مدیریت اثر بخش معلم در کلاس درس با استفاده از روش حل مساله رابطه معناداری بین نظر معلمین زن و مرد مشاهده نشد.

مورفی و دنتو^۱ (۲۰۰۳) نیز دریافتند که موفقیت اصلاحات پیشنهادی مدیران برای بهبود بخشیدن به فضای سالم سازمانی منوط به برقراری رابطه مشارکت جویانه میان او با معلمان است. واگان^۲ (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان تاثیرات سواد تربیتی روی پیشرفت و نگرش دانش آموزان پایه پنجم از فرهنگ‌های مختلف ایالت متحده آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که سواد تربیتی، تاثیر مثبتی روی نگرش دانش آموزان نسبت به درس ریاضی و پیشرفت تحصیلی آنان در این درس می‌گذارد.

نیکولز^۳ (۲۰۰۲)، در مطالعه‌ای تاثیرات الگویی از آموزش گروه مشارکتی را روی انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در یک کلاس هندسه دبیرستانی مورد آزمایش قرار داد. ۸۰ دانش آموز به صورت تصادفی در گروه کنترل که به صورت سنتی آموزش می‌دیدند و گروه آزمایش که به صورت مشارکتی آموزش می‌دیدند، قرار گرفتند. نتایج نشان داد دانش آموزانی که در گروه سواد تربیتی بودند نسبت به دانش آموزانی که در گروه کنترل بودند، بیشتر کارآمد بوده، یادگیری هدف گرایانه‌ای داشتند و پیشرفت تحصیلی آنها چشم گیر بوده است.

^۱ Murpny & Datnow

^۲ Vaughan

^۳ Nichols

گایس^۲ (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای تاثیر الگویی از سواد تربیتی را روی پیشرفت خواندن زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی، عزت نفس تحصیلی و احساس بیگانگی از مدرسه، دانش‌آموزان ۱۵ تا ۱۶ ساله دبیرستانی را مورد بررسی قرار داد. حجم نمونه ۵۷ نفر دانش‌آموز بود که ۲۷ نفر از آن‌ها دختر و ۲۹ نفر پسر بودند که در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. بعد از اجرای روش سواد تربیتی، که ده هفته به طول انجامید به این نتیجه رسید که روش سواد تربیتی نسبت به روش سنتی، پیشرفت خواندن زبان انگلیسی دانش‌آموزان را به طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد ولی تاثیری روی عزت نفس تحصیلی و احساس بیگانگی از مدرسه دانش‌آموزان ندارد.

ویلسون^۳ (۲۰۰۲)، در پژوهشی با عنوان تأثیرات سواد تربیتی روی پیشرفت و نگرش دانش‌آموزان پایه پنجم از فرهنگ‌های مختلف ایالات متحده آمریکا انجام داد، به این نتیجه رسید که سواد تربیتی، تأثیر مثبتی روی نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس ریاضی و پیشرفت تحصیلی آنان در این درس می‌گذارد.

راسفرم^۴ (۱۹۹۹) طی تحقیقاتی تحت عنوان (مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل مدیریت مشارکتی و سلامت سازمانی) به این نتیجه دست یافت که مدارس که دارای ساختار مساعد برای تصمیم‌گیری مشارکتی هستند؛ از مدارس که دارای چنین ساختاری نیستند جو سالم‌تری ارائه می‌دهند (نقل از جاهد، ۱۳۸۴).

دفت و لنگل (۱۹۹۸) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دو سبک رهبری دموکراتیک و مشارکتی در سازمان قویا مورد توجه می‌باشد و در مسائل تجاری امروز نقش فایق دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که سبک رهبری دموکراتیک و مشارکتی می‌تواند به شکل گرفتن سازمان‌های مولد منجر شود (نقل از فخمی، ۱۳۸۳).

بلوکرد و ریچاردسون^۵ نیز طی تحقیقاتی که در سال ۱۹۶۲ در خصوص بررسی سبک‌های رهبری مدیران مدارس بر روی رضایت شغلی معلمان انجام داده‌اند به این نتیجه دست یافته‌اند که مشارکت زیاد در تصمیم‌گیری‌ها بویژه در ارتباط با شیوه تدریس رضایت شغلی معلمان را افزایش می‌دهد (نقل از میر دریکوندی، ۱۳۸۷).

^۲Ghaith

^۳Wilston

^۴Ras Frm

^۵Blvkrd and Richardson

روش پژوهش

انتخاب روش تحقیق، یکی از مراحل مهم پژوهش‌ها می‌باشد. در این مرحله، محقق باید مشخص کند که چه روش خاصی برای تحقیق خود انتخاب خواهد کرد. انتخاب روش تحقیق به ماهیت موضوع، اهداف پژوهش، فرض یا فرض‌های تدوین شده، ملاحظات اخلاقی و انسانی ناظر بر موضوع تحقیق و وسعت و امکانات اجرایی آن بستگی دارد به سخن دیگر هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق باید مشخص نماید چه شیوه و روشی را اتخاذ کند تا او را هر چه دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر در دستیابی به پاسخ یا پاسخ‌هایی برای پرسش یا پرسش‌های تحقیقی مورد نظر کمک کند.

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود که هدف کشف علمی نیست بلکه آزمودن و بررسی امکان کاربرد دانش است (دلاور، ۱۳۸۸) و از لحاظ گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع پژوهش‌های توصیفی - همبستگی است. از آنجایی که این پژوهش در صدد توصیف و تبیین تعیین رابطه سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی است. لذا از نوع تحقیقات توصیفی است. از ویژگی‌های تحقیقات توصیفی این است که محقق دخالتی در موقعیت، وضعیت و نقش متغیرها ندارد و آنها را دستکاری یا کنترل نمی‌کند و صرفاً آنچه را که وجود دارد، مطالعه می‌کند و به توصیف و تشریح آن می‌پردازد. در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند آن پدیده مدنظر چگونه است. به عبارت دیگر، این نوع تحقیقات وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌مند آن می‌پردازد، ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه می‌کند و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶)

همچنین با توجه به این که رابطه بین متغیرهای سبک‌های مدیریت کلاس و سواد تربیتی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، روش تحقیق از نوع همبستگی است. از تحقیقات همبستگی عمده‌ای برای توصیف و پیش‌بینی استفاده می‌شود. تحقیق همبستگی زمانی مفید است که هدف با یکی از اهداف تحقیق، تعیین درجه پیش‌بینی باشد. از مطالعات پیش‌بینی هنگامی استفاده می‌شود که دانش و اطلاعات قابل اعتمادی از قبل وجود داشته باشد. (بیابانگرد، ۱۳۸۶). جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان دوره دوم ابتدایی پایه‌های پنجم و ششم ناحیه دو خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ به تعداد ۳۴۰ نفر بوده است. از آن جایی که حجم جامعه مورد پژوهش ۳۴۰ نفر می‌باشد با استفاده از جدول مورگان تعداد ۱۸۱ نفر از افراد جامعه به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع روش نمونه‌گیری

تصادفی - طبقه ای می باشد. باتوجه به اینکه جنسیت جامعه آماری مورد بررسی یکسان نیست، برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه وجود دارد .

فرض‌های آماری:

H₀: بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

جدول ۱: ضریب همبستگی پیرسون بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
سبک مدیریت آمرانه	سواد تربیتی	۰/۴۱۱	۱۸۱	۰/۰۰۱

همان‌طوری که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۴۱۱) در سطح خطای $\alpha=۰/۰۱$ معنی دار است ($sig<۰/۰۱$)، لذا فرض H₀ رد و فرض H₁ مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه متوسطی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک مدیریت آمرانه ، نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

فرض‌های آماری:

H₀: بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

جدول ۲: همبستگی پیرسون بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی داری (sig)
سبک مدیریت مشورتی	سواد تربیتی	۰/۶۸۷	۱۸۱	۰/۰۰۱

همان‌طوری که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۶۸۷) در سطح خطای $\alpha=۰/۰۱$ معنی دار است ($sig<۰/۰۱$)، لذا فرض H₀ رد و فرض H₁

مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه مثبت (مستقیم) و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک مدیریت مشورتی در بین معلمان دوره دوم ابتدایی پایه‌های پنجم و ششم ناحیه دو خرم‌آباد، نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

فرض‌های آماری:

H₀: بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

جدول ۳: همبستگی پیرسون بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی‌داری (sig)
سبک مدیریت عدم مداخله گر	سواد تربیتی	۰/۳۸۷	۱۸۱	۰/۰۰۱

همان‌طوری که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه‌شده

(۰/۳۸۷) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی‌دار است ($\text{sig}<0/01$)، لذا فرض H₀ رد و فرض H₁

مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه متوسطی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات بسبک مدیریت عدم مداخله گر در بین معلمان دوره ابتدایی، نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

فرض‌های آماری:

H₀: بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه وجود دارد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی

متغیر X	متغیر Y	ضریب همبستگی پیرسون (r)	تعداد (n)	سطح معنی‌داری (sig)
سبک‌های مدیریت	سواد تربیتی	۰/۳۹۵	۱۸۱	۰/۰۰۱

همان‌طوری که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۳۹۵) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی‌دار است ($sig<0/01$)، لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه مثبت (مستقیم) و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک‌های مدیریتی در بین معلمان دوره ابتدایی، نمرات سواد تربیتی دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

در فرضیه اصلی همان‌طوری که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۳۹۵) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی‌دار است ($sig<0/01$)، لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین سبک‌های مدیریت کلاس درس معلمان با سواد تربیتی رابطه مثبت (مستقیم) و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک‌های مدیریتی در بین معلمان دوره ابتدایی، نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد که با پژوهش‌های ویلسون (۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

در فرضیه اول همان‌طوری که نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۴۱۱) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی‌دار است ($sig<0/01$)، لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت آمرانه با سواد تربیتی رابطه متوسطی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک مدیریت عامرانه در بین معلمان دوره دوم ابتدایی پایه‌های پنجم و ششم ناحیه دو خرم‌آباد، نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد که با پژوهش‌های گایس (۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

در فرضیه دوم همان‌طوری که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۶۸۷) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی‌دار است ($sig<0/01$)، لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می‌شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت مشورتی با سواد تربیتی رابطه مثبت (مستقیم) و معنی‌دار وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات سبک مدیریت مشورتی نمرات سواد تربیتی نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد که با پژوهش‌های فرخی (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

در فرضیه سوم همان طوری که نتایج جدول ۳ نشان می دهد، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده (۰/۳۸۷) در سطح خطای $\alpha=0/01$ معنی دار است ($\text{sig}<0/01$)، لذا فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار می گیرد؛ بنابراین چنین استنباط می شود که با اطمینان بالای ۹۹ درصد بین مولفه سبک مدیریت عدم مداخله با سواد تربیتی رابطه متوسطی وجود دارد؛ یعنی با افزایش نمرات به سبک مدیریت عدم مداخله گر در نمرات، سواد تربیتی نیز افزایش می یابد. بر این اساس فرضیه فوق مورد تأیید قرار می گیرد که با پژوهشهای نیکولز (۲۰۰۲) همسو می باشد.

پیشنهادات

- ۱- تخصصی کردن مقطع ابتدایی از حیث نظام مدیریتی و تعیین معلمان برای آموزش و تربیت کودکان و جلوگیری از تبدیل شدن مدارس ابتدایی به حیات خلوت معلمان مازاد و غیر تخصصی
- ۲- توجه بیشتر به امر آموزش دانش آموزان در کنار پرورش و فعالیتهای زیباسازی و... و پررنگ تر شدن بخش آموزش و افزایش سرانه های خاص آموزشی و اختصاصا سرانه مدارس ابتدایی
- ۳- توجه به امر گسترش کلاسهای هوشمند و نیز آموزشهای تخصصی معلمان در این زمینه
- ۴- توجه بیشتر مسولین به مدارس ابتدایی و عدالت نگری در بازدیدها، کمکها، اختصاص فضاهای آموزشی، و نیز به صدادرآوردن زنگهای مختلف در مدارس ابتدایی
- ۴- استفاده از مدیران توانمند مدارس ابتدایی در مدیریت مجتمع های آموزشی با توجه به طرح تعمیم مجتمع ها به مدارس شهری
- ۴- اختصاص مشاور به مدارس ابتدایی با توجه به مشکلات موجود و درصد بالای حل مشکلات در این دوره نسبت به دوره های بعدی
- ۵- تغییر واژه های آموزگار و دبیر به واژه کلی معلم در سیستم آموزش و پرورش و جلوگیری از انتشار مقایسه نادرست معلمان دوره ابتدایی با سایر سطوح
- ۶- استفاده مجدد از مربیان و معاونان پرورشی برای تدریس قرآن با توجه به اهمیت موضوع و نیز نقش موثرتر مربیان پرورشی در آموزش قرآن
- ۷- استفاده بیشتر از متخصصان آموزش ابتدایی در پستهای ستادی آموزش و پرورش منطقه استان و کشور

- ۸- تشکیل بانک اطلاعاتی دانش آموزان محروم و مستعد مناطق و اختصاص سرانه ملی مخصوص برای ایشان
- ۹- ایجاد راهکاری برای حل مشکل آسفالت مدارس با توجه به وضعیت بسیار بد مدارس ابتدایی در این زمینه
- ۱۰- توجه خاص به پایه اول ابتدایی و باثبات و تخصصی تر شدن معلمان این پایه با توجه به نقش زیربنایی آن
- ۱۱- قرار گرفتن بخشنامه های مورد نیاز معلمان در وب سایت اداره کل و فعالتر شدن وب سایت اداره کل، تا امکان دستیابی به آنها در منزل نیز میسر باشد.
- ۱۲- اجرای طرحهای مشارکتی برای تجهیز مدارس توسط اداره کل همانند طرح هجرت در زیباسازی و تعمیرات
- ۱۳- تبادل محتواهای آموزشی تولید شده توسط همکاران، در مناطق مختلف برای استفاده سایر همکاران
- ۱۴- رفع مشکلات موجود پیش دبستانی و اختصاص مدارس خاص به این امر در صورت وجود فضاهای مناسب

منابع

- احمدیه، ملک سیما (۱۳۸۵)، یادگیری به شیوه همیاری در دانش آموزان عادی و تیز هوش، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- اختیاری دقیق، فریبا، حضرتی مرتضی (۱۳۹۹)، رابطه سبک مدیریت کلاس و هوش فرهنگی معلمان با یادگیری خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی پسرانه در شهر رشت محل انتشار: سومین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی
- الماسی حسینی، صمد (۱۳۹۷)، رشد عزت نفس و مهارت های اجتماعی در سایه آموزش تفکر فلسفی، انتشارات آریا دانش.
- بهرنگی، محمدرضا، عزیزی شمامی، مصطفی، جعفری راد، علی (۱۳۹۰)، الگوی مدیریت بر آموزش، اجرا و مقایسه وضعیت آن در دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران

- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۶)، روش‌های پیشگیری از آفت تحصیلی، فروست، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، شماره انتشار ۱۱۵، چاپ پنجم
- جاهد، حسینعلی (۱۳۸۴). سلامت سازمانی. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۵۹
- دلاور، علی (۱۳۸۸)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر ویرایش.
- سبحانی‌نژاد، مهدی، زمانی منش، حامد، (۱۳۹۱)، شناسایی ابعاد معلم اثربخش و اعتبار سنجی مولفه‌های آن توسط دبیران دوره متوسطه شهر یاسوج. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۹(۳۲)، ۶۸-۸۱.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۷)، روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران
- شکر کن، حسین و همکاران (۱۳۹۰)، مکتب‌های روانشناسی و نقد آن چاپ ششم
- فرخی، مریم، (۱۳۹۶)، تاثیر ارزیابی آموزشی بر سبک مدیریت کلاس، اولین کنفرانس کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی
- فرقانی، نو شین، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه سبک‌های مختلف مدیریت کلاسی معلمان با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر شیراز، محل انتشار، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی
- فخمی، ف. (۱۳۸۳)، مدیریت رفتار سازمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات هستان.
- کرامتی، محمدرضا. (۱۳۸۱)، بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و یادگیری درس ریاضی دانش‌آموزان پایه پنجم
- گرینسکی، استیو، (۱۹۹۶)، یادگیری مشارکتی در تربیت بدنی. ترجمه واعظ موسوی، محمد کاظم و مرشدی، محمود. (۱۳۸۴) انتشارات سمت.
- میر دریکوندی، ر. (۱۳۸۷)، رضایت شغلی و عوامل مؤثر بر آن، نشریه معرفت، شماره ۳۸.
- نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: ارسباران.
- Aronson et al. (1997). Effects of educational program with ... in improving critical thinking. International J. of Nurssing Studyies, Article Inpress.
- Doyle, W. (1986). Classroom organization and management. In M. C. Wittrock (Ed.). Handbook of research on teaching (3rd ed.). New York: Macmillan
- Ghaith, G. (2003). Effects of the learning together model of cooperative learning on English as a foreign language reading achievement, academic self-esteem, and feelings of school alienation. Bilingual Research Journal, 27(3), 451-474.

- Gerineski, S. (1991b). Cooperative learning and dance education. *Journal of Physical Education Recreation and Dance*. 64(5): 44-51 and 56.
- Geffner , R.A& others. (2008). The effects of Hartman. Pr (2002), Difine and discripe, Gooprative learning. Candidate gada ada .
- Murphy, J., & Datnow, A. (2003). Leadership lessons from comprehensive school reform designs. Leadership lessons from comprehensive school reforms, 263-278.
- Kagan –s. (2008) the s (2008) the structural approach to cooperative learning . educational leadership, January .
- Martin, (2003). Alternative instructional strategies for creative and critical thinking in the accounting curriculum. *Journal of Accounting Education*,16,2,261-293.
- Nagler, k, s. (2016). Effective Classroom-Management & Positive Teaching. *English Language Teaching*, 9(1), 163-172. DOI: <http://dx.doi.org/10.5539/elt.v9n1p163>.
- Nichols, J. D. (2002). The effects of cooperative learning on student achievement and motivation in a high school geometry class.*Contemporary Educational Psychology*, 21(4), 467-476
- Özen, H. & Yıldırım, R. (2020). Teacher perspectives on classroom management. *International Journal of Contemporary Educational Research*, 7(1), 99-113. DOI: <https://doi.org/10.33200/ijcer.645818>.
- Slavin,R.E,(2009). Cooperative learning student team(2) Washington, d.c: national education association.
- Vaughan, W. (2002).Effects of cooperative learning on achievement and attitude among students of color.*The Journal of Educational Research*, 95(6), 359-364.
- Wilson,T.D.(2002) The nonsense of knowledge management in information research. [http:// Information R. net/ir/b-1/ paper 144 . html](http://Information R. net/ir/b-1/ paper 144 . html).
- Wolfgang, C. H., & Glickman, C. D.(1986). Solving discipline problems: Strategies for classroom teachers(2nd ed.). Boston: Allyn and Bacon.